

هیچ چیز برای همیشه نیست



نویسنده: سینی شادون

مترجم: آرمینه آکسیان

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	شلدون، سیدنی، ۱۹۱۷ - Sheldon, Sidney .
عنوان و نام پدیدآور	هیچ چیز برای همیشه نیست / نویسنده سیدنی شلدون؛ مترجم آرمینه آلکسیان .
مشخصات نشر	تهران: نشر گستر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	۳۰۰ ص. شابک : ۷۹۰۰۰۰ ۷-۱۰-۵۸۸۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت: عنوان اصلی	Nothing lasts forever , c1994
یادداشت	کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان "هیچ چیز جاودانه نیست" با ترجمه فریده مهدوی دلفغانی توسط نشر درسا منتشر گردیده است .
عنوان دیگر	هیچ چیز جاودانه نیست
موضوع	دولستان‌های آمریکایی --- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	آلکسیان، آرمینه، ۱۳۵۰ - مترجم .
رده بندی کنگره	۱۳۸۹ ج۴/۵۹۱ PS۳۵۶۴
رده بندی دیویی	۸۱۳۵۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۹۰۱۵



نشر گستر

نام کتاب : هیچ چیز برای همیشه نیست

نویسنده : سیدنی شلدون

مترجم : آرمینه آلکسیان

ویراستار : مهندس کیوان فلاح مشفق

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ : ۱۳۹۰

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

قیمت : ۷۹۰۰ تومان

چاپ : پژمان

ناشر : انتشارات نشر گستر (۳-۶۶۵۹۱۵۶۱-۶۶۵۹۱۵۶۱)

مرکز پخش : انتشارات نشر گستر (۳-۶۶۵۹۱۵۶۱-۶۶۵۹۱۵۶۱)

درباره‌ی نویسنده



سیدنی شلدون، نویسنده آمریکایی، در سال ۱۹۱۷ در شیکاگو متولد شد. آثار تلویزیونی او در طول بیست سال شامل: نمایش پتی دوک، من خواب جینی را می‌بینم و هارت تو هارت است. اما بعد از پنجاه سالگی و شروع نویسندگی پرفروش‌ترین رمان‌های خود از قبیل: استاد بازی، آن سوی نیمه شب و خشم فرشتگان، او به شهرت بیشتری دست یافت.

سیدنی شلدون در شیکاگو، ایالت ایلینویز، از والدین روسی تبار یهودی متولد شد. پدرش، آسکر اُتو اسکچل (Ascher Otto Schechtel)، مدیر یک

جواهرفروشی و مادرش، ناتالی مارکوس (Natalie Marcus) بود. در ده سالگی با فروش یک شعر به قیمت پنج دلار، اولین درآمد زندگیش را بدست آورد. در جریان بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹، مشاغل مختلفی را تجربه کرد، به دانشگاه نورث وسترن (Northwestern University) رفت و برای گروه‌های تئاتر، نمایشنامه‌های کوتاه نوشت.

او در سال ۱۹۳۷ به هالیوود نقل مکان کرد و در آن‌جا به مطالعه و بررسی متون نمایشی پرداخت و در تولید چند فیلم سینمایی درجه دو مشارکت کرد. او در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان خلبان در نیروی هوایی ارتش به خدمت نظام رفت. به هر حال، قبل از این که شلدون بتواند وارد عملیات جنگی شود، آن یگان منحل شد. بعد از چنگ شلدون به زندگی عادی بازگشت و به نیویورک نقل مکان کرد و در آن‌جا مشغول نوشتن نمایشنامه‌های موزیکال برای صحنه‌های برادوی و همچنین نمایشنامه‌های سینمایی برای اِم.جی.ام استودیو (MGM Studios) و پارامونت پیکچرز (Paramount Pictures) شد. او به عنوان نویسنده‌ای پرکار شناخته می‌شد. برای مثال، همزمان سه نمایشنامه موزیکال برای تئاترهای برادوی می‌نوشت. موفقیتش در برادوی او را دوباره به هالیوود بازگرداند، جایی که نخستین فیلمنامه او "مرد مجرد و دختر نوجوان" (The Bachelor and the Bobby-Soxer) او را به دریافت جایزه اسکار بهترین نمایشنامه در سال ۱۹۴۷ مفتخر کرد.

تلویزیون نزد شلدون تبدیل به یک وسیله جذاب و نوین شد و او مصمم شد که در

این عرصه شانس خود را امتحان کند. او به یاد می‌آورد: «فکر کنم به پول احتیاج داشتم. یک روز موقع ناهار پتی دوک رو دیدم. بعد از اون ملاقات، نمایشنامه پتی دوک رو نوشتم و کاری کردم که هیچکس تا به حال در تلویزیون نکرده بود. مدت هفت سال، تقریباً برای هر صحنه این سریال نمایشنامه می‌نوشتم.» او همچنین متن سریال‌های تلویزیونی «هارت تو هارت» و «نانسی» را نوشت. مشهورترین نمایشنامه او «من خواب جینی رو می‌بینم» بود که خودش تهیه و تولید آن را به عهده گرفت.

به روایتی از خود او در سال ۱۹۸۲: «زمانی که "من خواب جینی رو می‌بینم" داشت به انتها می‌رسید، من تصمیم گرفتم نویسندگی رمان را تجربه کنم. هر روز از ساعت نه صبح تا ظهر، منشی من در استودیو همه تلفن‌ها را جواب می‌داد. من هر روز صبح می‌نوشتم و یا با صدای بلند نوشته‌هایم را دیکته می‌کردم و بقیه روز سروکارم با تلویزیون بود.»

شلدون در سال ۱۹۶۹، نخستین رمان خود به نام «چهره بی نقاب» را نوشت. این رمان او را کاندید جایزه ادگار آلن پو در رده بهترین رمان نخست کرد و رمان بعدی او، «خاطرات نیمه شب» به جایگاه نخست فهرست پرفروش‌ترین رمان‌های نیویورک تایمز رسید. بر اساس این رمان و رمان‌های بعدی او که چند فیلم سینمایی و سریال ساخته شد.

او در اغلب رمان‌هایش زنان باراده‌ای را به تصویر می‌کشد که در دنیای بی‌رحمی که در چنگال انسان‌های متخاصم است، ایستادگی می‌کنند. رمان‌های او اغلب تعلیق دارند و مواد متنی موجود در آن‌ها، خواننده را وادار به تعقیب داستان می‌کند.

او در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۲ می‌گوید: «تلاش من اینست که به گونه‌ای داستان بنویسم که خواننده نتواند کتاب را کنار بگذارد. طرح داستان‌ها به گونه‌ای است که وقتی خواننده به انتهای یک بخش از داستان می‌رسد، تمایل دارد یک بخش دیگر را بخواند. این شبیه تکنیک سریال‌ها در پایان دادن به یک قسمت از سریال در یک موقعیت نفس‌گیر و حساس است.»

اغلب خوانندگان آثار شلدون، زنان بودند. او در پاسخ به علت این امر گفت: «من دوست دارم از زنانی بنویسم که با قریحه و قابل هستند، اما مهمتر از همه این که زنانگی و ظرافت خود را حفظ می‌کنند. زنان قدرت شگرفی دارند و این قدرت در زنانگی آن‌ها نهفته است، خصلتی که مردان نمی‌توانند بدون آن سر کنند.»

کتاب، مهمترین ابزار مورد علاقه شلدون برای بیان افکارش بود. او اظهار می‌دارد:

«من عاشق نوشتن کتاب هستم. فیلم ابزار گروهی و جمعی است و همه می‌توانند آنچه را که در پس ذهن شماست، پیش بینی کنند. اما وقتی رمان می‌نویسید همه چیز در اختیار شماست. آزادی شما در این حیطه با هیچ حیطه دیگری قابل مقایسه نیست.»

شیلدون با همسر خود، جورجیا کیرت‌رایت شیلدون، بازیگر تئاتر و سینما، سی سال زندگی مشترک داشت. همسر او بعدها یک دکوراتور داخلی ماهر و سرشناس شد و سرانجام در سال ۱۹۸۵ بر اثر حمله قلبی درگذشت. شیلدون در سال ۱۹۸۹ در لاس وگاس با الکساندرا کاستف، یک مدیر اجرایی تبلیغات، ازدواج کرد. دختر او مری شیلدون نیز به رمان‌نویسی روی آورد.

بر طبق اظهارات شیلدون در کتاب روی دیگر من (۲۰۰۵) که شرح حال زندگی او به قلم خودش است، وی سال‌ها با افسردگی دست و پنجه نرم کرد و زمانی در سن هفده سالگی در فکر خودکشی بود، اما پدرش او را با صحبت‌های مداوم از این کار منصرف کرد.

شیلدون در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۷، در سن ۸۹ سالگی در اثر عوارض ناشی از ذات‌الریه در مرکز درمانی آیزنهاور در کالیفرنیا درگذشت.

جسد او سوزانده شد و خاکسپارش را در گورستان میموریال پارک در وستوود ویلیج به خاک سپردند.

فهرست آثار:

- چهره بی‌نقاب (۱۹۷۰)
- آن‌سوی نیمه شب (۱۹۷۳)
- غریبه‌ای در آینه (۱۹۷۶)
- خط خون (۱۹۷۷)
- خشم فرشتگان (۱۹۸۰)
- استاد بازی (۱۹۸۲)
- اگر فردا بیاید (۱۹۸۵)
- آسیاب‌های خدایان (۱۹۸۷)
- شن‌های زمان (۱۹۸۸)
- خاطرات نیمه شب (۱۹۹۰)
- توطئه روز رستاخیز (۱۹۹۱)
- ستارگان می‌درخشند (۱۹۹۲)
- هیچ چیز برای همیشه نیست (۱۹۹۴)

صبح، ظهر و شب (۱۹۹۵)
بهترین نقشه‌های اجرا شده (۱۹۹۷)
رؤیاهایت را برابیم بگو (۱۹۹۸)
آسمان فرو می‌ریزد (۲۰۰۲)
آیا از تاریکی می‌ترسی؟ (۲۰۰۴)

نقل قول‌هایی از نویسنده:

«معمولاً وقتی خواننده به پایان یک فصل می‌رسد، کتاب را بسته و به خواب می‌رود. من عمداً داستان‌هایم را به گونه‌ای می‌نویسم که وقتی خواننده به انتهای یک فصل رسید، برای خواندن برگه دیگر و پی‌گیری داستان‌انگیزه داشته باشد.»

«بازرزش‌ترین بخش از نویسندگی من هنگامی است که مردم از نظراتشان برای من نویسند یا در انتظار به من می‌گویند که چقدر زندگیشان با خواندن کتاب‌های من تغییر کرده است.»

«استعداد موهبتی است که به انسان ارزانی شده است و سلب آن نیز غیرممکن نیست. پس باید قدر آن را بدانیم و ارج نهیم.»

«قهرمانان داستان‌های من کسانی هستند که هر روز زندگی‌شان را برای حفاظت از جهان ما و بهتر کردن آن به خطر می‌اندازند؛ افرادی چون: پلیس، مأموران آتشنشانی و اعضای نیروهای مسلح.»

«اگر رازی در موفقیت من نهفته باشد، به عقیده من آن راز اینست که شخصیت‌های داستان‌هایم برای خودم بسیار واقعی هستند. من احساسات آن‌ها را با تمام وجود درک می‌کنم. از اینرو، فکر می‌کنم که خوانندگان نیز به احساسات آن‌ها اهمیت دهند.»

«قبل از فروختن نخستین داستانم، حدود شش سال در هالیوود به عنوان یک خواننده و کسی که می‌خواست در آینده نویسنده شود، کار کردم.»

«من درباره هیچ مکانی در دنیا نمی‌نویسم، مگر آنکه خودم قبلاً آن مکان را از نزدیک دیده باشم و درباره‌اش تحقیق کرده باشم.»

«من همواره برای کشف رسوم و نگرش کشورهای که به عنوان مکان در داستان‌هایم استفاده می‌کنم، زمان صرف می‌کنم و با مردمی که در آن کشورها زندگی می‌کنند، به گفتگو می‌نشینم. تاکنون به بیش از نود کشور سفر کرده‌ام.»

«هرگز تسلیم نشوید. در زندگی ممکن است افراد زیادی شما را دلسرد و ناامید

درباره‌ی نویسنده ۷

کنند. چشم و گوش خود را به روی آن‌ها ببندید. تنها کسی که قادر است شما را وادار به تسلیم کند، فقط خودتان هستید.

زهره ذوالقدر

منبع: ویکی‌پدیا

www.ketab.ir